

ای چشمِ پلک تشنگان ادرکنی  
باران زلال آسمان، ادرکنی



ای منتظر حضور حریت و داد  
امید همه منتظران، ادرکنی

بیدار ترین شعشع [بارز عصر  
وی خفته به قلب عارفان، ادرکنی

ای سرور سرو قامت ای مظهر عشق  
ای ورد زبان عاشقان، ادرکنی

اینک همه کائنات در حسرت نور  
خورشید نهان کهکشانشان، ادرکنی

روح و دل بیقرارمان منزلت  
از منظر و دیده ها نهان، ادرکنی

ای شبه «رسول اکرم» ای شبه «علی»  
طاووس خوش باغ جان، ادرکنی

در رگ رگ خاکیان و ای عرش نشین  
بازا به حریم خاکیان، ادرکنی

شرمنده و رو سیاه و غرق گنهم  
یا مهدی صاحب الزمان، ادرکنی

در جرگه انتظار یون «نجمه» هنوز  
بیمار و پریش و خسته جان، ادرکنی

هرچند که از زمینیان دلگیری!!!  
دیوانه ی تو، زمینیان، ادرکنی

معذوریم اگر مواردی، جای گرفت  
در قافیه نقص، شایگان، ادرکنی

{jcomments on}